

طرح دادگاه های انقلاب در دیدار امام با مشاوران پارسی!

اگر یکی از دست آوردهای انقلاب مشروطیت پایان دادن به نظام حقوق اسلامی و بازداشتن روحانیون از دخالت در امور قضائی و جایگزینی دادرسی مدنی و جزائی بر مبنای حقوق اروپائی نشأت گرفته از انقلاب بزرگ فرانسه به جای دادرسی آخوندی و فقه اسلامی بود؛ یکی از دست آوردهای شوم انقلاب سال 1357 برپائی دادگاه های انقلاب اسلامی و در پی آن اسلامی شدن نظام حقوقی کشور و واگذاری امور قضائی و سپردن سرنوشت مردم به روحانیونی بود که الفبای حقوق امروزی را نمی دانستند. با برقراری دادگاه های انقلاب اسلامی و در پی آن با تصویب لایحه ی قصاص و حدود اسلامی در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی به تدریج در طی یک دوره ی پنج ساله دست گاه قضائی به تصرف کامل روحانیون و طلبه های در آمد که در مدرسه حقانی قم درس طلبه گی خوانده بودند و یا می خواندند.

برپائی دادگاه های انقلاب اسلامی به نخستین روزهای برکناری رژیم شاه و زمام داری دولت بزرگان بر می گردد و مهدی بازرگان در سمت نخست وزیر دولت موقت با انتصاب هادی هادوی به سمت دادستانی انقلاب و واگذاری پرونده های دادستانی انقلاب به حکام شرع برگزیده از جانب خمینی راه پیش روی روحانیت را هم وار ساخت و در واقع دست گاه روحانیت پیش از تصویب قانون اساسی و گذراندن اصولی دایر بر گزینش رئیس قوه ی به اصطلاح مستقل قضائیه از جانب ولی فقیه و قیمومت وی بر امت اسلامی با تصدی دادگاه های انقلاب اسلامی میخ خود را بر زمین کوبید و با اعدام های ضربتی شماری از مهره های سرشناس حکومت نظامی و ساواک که سخت مورد تفر و انزجار مردم بودند راه را برای حضور پلیسی خود در لباس قضائی فراهم ساخت.

در این میان نقش روشن فکران مسلمان که به حقوق اروپائی و سیستم دادرسی مدنی و جزائی در کشورهای پیش رفته ی اروپائی و آمریکائی آشنائی داشتند به نوبه ی خود جالب توجه است. روشن فکران صدر مشروطیت از مسلمان تا عرفی عدالت را در استقرار دادگستری مدرن و جایگزینی حقوق اروپائی به جای حقوق اسلامی می دانستند و درخواست تاسیس عدالت خانه با هزینه ی دولتی به عنوان سرفصل درخواست مشروطه خواهان و بست نشینان در حرم شاه عبدالعظیم و سفارت بریتانیا چیزی جز کنار نهادن روحانیت و کوتاه ساختن دست آنان از امور قضائی و حذف سیستم حقوق اسلامی بر روایت ملاهای شیعه و تاسیس دادگاه های عرفی نبود.

طرح دادگاه های انقلاب اسلامی در دیدار امام با مشاوران پارسی به عنوان نخستین پرده از یک نمایش نامه ی ده پرده ای به نام «دادگاه عدل اسلامی»، بر آن است تا دوگانه گی روشن فکران اسلامی را که چون پاندول در میان سنت های منسوخ اسلامی و ایده های جامعه ی مدرن در نوسان اند نشان دهد. اگر چه فرصت طلبی روشن فکران مسلمان برای کسب جاه و مقام و بهره برداری از نفوذ روحانیت را هم باید به صفت پاندولی آنان افزود.

شماری از صاحب نظران و روشن فکران عرفی، کاربرد «روشن فکر مسلمان یا اسلامی» را پذیرا نیستند. به باور آنان روشن فکر نمی تواند قید و بند ایدئولوژیکی یا

مذهبی داشته باشد. به باور آنان خصیصه‌ی روشن‌فکری با قید ایدئولوژیکی و مذهبی در تضاد است و فرد یا روشن‌فکر است و همه چیز را در چارچوب دانش امروزی و جامعه‌ی مدرن و مدرنیته بررسی می‌کند؛ و یا مقید ایدئولوژیکی است و روشن‌فکر دین‌باور، نه روشن‌فکر که مبلغ مذهبی است با ادعای روشن‌فکری و با کوله‌باری از سنت بنیادگرایی! اما در واقع امر چنین نیست و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم هر جریان فکری و اندیشه‌گی روشن‌فکران، ایدئولوگ‌ها و تحلیل‌گران خود را دارد و مساله‌ی اسلام و اسلامیان و دین‌باوران هم نمی‌تواند از این مقوله جدا باشد!

اما نباید پنداشت که در پذیرش دادگاه‌های انقلاب اسلامی این تنها دولت موقت و روشن‌فکران مذهبی و شرکای حکومتی بودند که با پشتیبانی خود از دادگاه‌های انقلاب اسلامی راه عروج روحانیت را فراهم ساختند و یا تنها رهبران حزب توده و رنجبران بودند که با پشتیبانی بی‌قید و شرط از حاکمیت جدید راه بازگشت روحانیت به مسند قضاوت و بازپس‌گیری مهم‌ترین دست‌آورد دوران مشروطیت را تسری بخشیدند! چپ انقلابی دوران انقلاب هم از سازمان چریک‌های فدائی خلق تا سازمان مجاهدین تا پیکار و طیف‌های رنگارنگ خط‌سه هم به نوبه‌ی خود به شعار «اعدام انقلابی مورد مورد تائید ماست» همان خطا را تکرار کردند.

انتقاد از موضع چپ انقلابی در مورد اعدام‌های ضربتی روزها و هفته‌های نخستین روی کار آمدن جمهوری اسلامی به معنای تائید انتقاد جریان‌های سلطنت‌طلب و شونیست‌های وطنی نیست که چپ‌ها را مسول روی کار آمدن جمهوری اسلامی می‌دانند. آنان در رژیم شاه‌کشتار انقلابیون، کمونیست‌ها و مجاهدین را جشن می‌گرفتند و کشتار مردم بی‌گناه و بی‌سلاح در جریان انقلاب را انکار می‌کردند. در نخستین دهه حاکمیت جمهوری اسلامی هم فراتر از سکوت، هرگز بازداشت، شکنجه، زندان و کشتار انبوه مجاهدین، کمونیست‌ها و دموکرات‌ها را محکوم نمی‌ساختند و شاید هم احساس قلبی داشتند و به هم راه رسانه‌های امپریالیستی شادمانی خود را از کونیست‌کشی رژیم پنهان نمی‌ساختند.

و اینک متن نمایش نامه

پرده‌ی اول

روح‌اله مصطفوی شناخته شده به خمینی از روحانیون مخالف شاه را که در نجف به سر می‌برد و از دهه‌ی چهل با رژیم شاه در افتاده است به درخواست شاه از عراق می‌رانند و وی که قصد اقامت در کویت را دارد با میانجی‌یکی از مشاوران که از آمریکا روانه‌ی عراق شده است به هم راه‌وی روانه‌ی پاریس می‌شود تا از آن جا هم چون عروسکی بزرگ کرده با سلام و صلوات ره‌سپار خانه‌ی داماد گردد و امام‌عنوانی است که مشاوران بر قامت اش می‌دوزند تا بر ابهت اش بیفزایند.

در پاریس حلقه‌ای چند از مریدان شامل بازاریان تهران، شماری از روحانیون ناشناخته و گمنام و گروهی روشن‌فکر و دانش‌جویان مسلمان، یا مدعی‌مسلمانی گرد می‌آیند. در حلقه‌ی مریدان روشن‌فکر چهار تن از دانش‌آموخته‌گان کشورهای اروپائی و آمریکائی گوی سبقت را از دیگران می‌ربایند. این چهار تن که خود را از شمار

نیروهای فعال ملی - مذهبی می دانند در آستانه ی ورود خمینی به پاریس در سمت مترجمی برای رسمیت بخشیدن به نقش وی به عنوان امام و رهبر فره - مند جنبش مبارزاتی مردم ایران و کنار زدن دیگر رهبران مبارزاتی جنبش، حتا دیگر روحانیونی که در بسیج مردم سهم ارزش مندی دارند و با دخالت روحانیت در سیاست مخالف اند، تلاشی رقابت گونه دارند؛ تلاشی خودفریبانه برای فریب خودی و بیگانه، تلاشی فریب کارانه برای جلب نظر دولت های غربی و افکار عمومی جهانی با نشان دادن نقشی وارونه از مرجعیت شیعه و به ویژه شخص خمینی به عنوان رهبر نهضت مبارزاتی مردم ایران، و این در حالی است که به درستی آگاهی دارند که خمینی تجسم برجسته ی واپس گرایی در میان روحانیون شیعه است و مخالفت وی با شخص شاه در دهه ی چهل از موضع واپس گرایی و مخالفت با اصلاحات نیم بند شاه در مساله ی واگذاری زمین به دهقانان و حق رای صوری به زنان بوده است!

از این چهار تن یک نفر دانش آموخته ی آمریکا است و در نقش دیپلماسی به آمریکائی ها نزدیک است، دومی دانش آموخته ی فرانسه است و گوشه ی چشمی به فرانسوی ها دارد، سومی که با پیشینه ی بیست و پنج سال دانش جوئی به جایی نرسیده است خود را هم به فرانسوی ها می نمایند و هم به انگلیسی ها! چهارمی هم که دانش آموخته ی آلمان است و در نقش مترجم خبرنگاران آلمانی زبان ظاهر می شود گوشه ی چشمی به سران آلمان غربی دارد!

از این چهار تن، یک تن در صدر دیپلماسی و جانشین اجرائی نخست وزیر دولت موقت با اشغال سفارت آمریکا سمت های دولتی را از دست می دهد و اگر چه با گذراندن یک دوره ی چهار ساله در مجلس شورای اسلامی و ماماشات زیرکانه سی سال قسر در می رود سرانجام در ماه های اخیر با دریافت یک پاداش هشت ساله اینک باید خود را برای رفتن به زندان آماده سازد. دومی در سمت نخستین رئیس جمهور برگزیده، پیش از پایان دوره ی چهار ساله ی ریاست جمهوری اش، زیر فشار روحانیت، میدان را ترک نموده، پیش از اسارت با ترک ایران به فرانسه می گریزد. سومی را پس از برکناری از مدیریت صدا و سیمای دولتی و وزارت امور خارجه، به اتهام شرکت در طرح کودتائی نافرجام به چوبه ی دار می بندند و چهارمی هم که از بسته گان امام است و مثل سومی با آغاز جنگ ایران و عراق با در دست داشتن پاسپورت دیپلماسی دست اندر کار دلالی اسلحه می شود بر اساس خبر رسانه های غربی پس از کشف یک محموله کالای قاچاق و گویا هروئین از جامه دان اش در فرودگاه هامبورگ برای همیشه از صحنه ی سیاست ناپدید می شود.

هر چهار نفر در پاریس برای نزدیکی به خمینی و کسب جاه و مقام در پرتو این نزدیکی، رقابتی تنگاتنگ دارند و در بازگشت به تهران در ادامه ی رقابت با هم دیگر و دیگر رقیبان و خوش رقصی پرشور برای روحانیت، با همان شور و شوق پاریس، مساجد، حسنیه ها و دانش گاه ها را میدان جلوه گری خود می سازند. هر چهار نفر همانند دیگر رقیبان با سخن رانی های کش دار و پر آب و تاب در ستایش مذهب، سیره ی امامان شیعه، عدالت اسلامی، دادگاه عدل اسلامی، نقش امام و خصائل انسانی و اخلاقی نداشته ی وی جلوه گری را به اوج خود می رسانند! این چهار نفر بر همان پندار پاریس، در تهران به هر مناسبتی به دیدار امام می شتابند تا نزدیکی خود به امام را به

رقیبان نشان دهند و هم این جا و آن جا وی را با خود هم راه سازند. یکی از موضوع هایی که هر چهار نفر به کرات با امام در میان می گذارند موضوع دادگاه های انقلاب است و گله ی آنان از برگزیده گان خمینی و دست اندر کاران دادگاه های انقلاب!

هر چهار نفر که در اوج دبدبه و کبکبه ی خود در برابر امام و نسبت به امام چاکرمنشی را به اوج می رساندند پس از رانده شدن از درگاه خلیفه بدون آن که تا مدت های مدید جسارت زبان گشودن به انتقاد روشن علیه وی داشته باشند در دیدارهای خصوصی و گاه با رسانه ها زبان باز می کنند و می گویند ما در دیدار با امام چنین گفتیم و چنان کردیم و امام چنین می گفت و چنان می کرد! این نوشته برداشتی است از ادعاهای راست و دروغ آنان در ترکیب یک دیدار جمعی با این «امام نوظهور»! اگر چه این امام نوظهور و الگوی راستین محمدی، بیش تر مشاوران اش را به تنهایی می پذیرفت و به ندرت اجازه می داد که جمعی بر وی وارد شوند!

(خمینی در اتاق شخصی خود در مدرسه علوی پیراهن سفید بلندی به تن دارد با کلاه عرق چین! و تکیه داده به مخده!

مشاوران، دو نفر در سمت راست و دو نفر در سمت چپ بر روی فرش که در اتاق گسترده است، نشسته اند!

مشاوران هر چهار نفر کت و شلوار شیک به تن دارند با پیرهن یقه دار و بدون کراوات!

مشاور اول ته ریشی دارد با یک عینک نمره! اما سه نفر دیگر با صورت های اصلاح شده و به اصطلاح دوتیغه!)، مشاور دوم هم عینکی است و عینک پهنی بر صورت دارد و دو نفر دیگر بدون عینک!

مشاور اول: بسم الله الرحمن الرحيم! امام بزرگ وار حالا که جهان بر کام است و انقلاب ما ال حمدوله لا پیروز شده و دشمنان قلع و قم شده اند، نظر مبارک بر چیست؟
امام: بر روحانیت مبارز، بر امت همیشه در صحنه، بر احکام اسلام، بر اصل ولایت در عصر غیبت، بر اصول فقاقت هم چون نوری در تاریکی برای رهائی امت و برای رهائی بشریت!

مشاور دوم: بسم الله الرحمن الرحيم! اما ما روحانیت مبارز و امت همیشه در صحنه به جای خود، اما هم از خودی ها، و هم از بیگانه گان، کسی نظر خوشی با اصل ولایت و اصول فقاقت به شکل سنتی ندارند و امت انقلابی به وعده های حضرت امام در پاریس دل بسته اند که روحانیون دخالتی در امور حکومتی ندارد و فقط ارشاد می فرمایند!

امام: بی خود کردن خودی ها که به اصل ولایت روی خوش نشان نمی دهند. اما بیگانه گان چرا؟ بیگانه گان چه کار دارند به کار ما؟

مشاور سوم: بسم الله الرحمن الرحيم! حضرت امام دولت های بیگانه هم از ما پشتیبانی نموده اند و حالا از ما توقعاتی دارند. آن ها هم در برابر مردم خودشان مسولیت دارند و باید در برابر پشتیبانی از ما پاسخ گو باشند!

مشاور دوم: که نشان بدهند در این مورد اشتباه نکرده اند و پشتیبانی از انقلاب ایران و روحانیت درست بوده است!

امام: چه توقعات بی جایی؟ پاسخ گو بودن آن ها، به ما چه ربطی دارد؟ ما که پاسخ گوی ملت های آن ها نیستیم! ما در برابر هر کس که پاسخ گو باشیم، پاسخ مان دندان شکن است! شما که زبان آن ها را به تر می فهمید به آن ها پاسخ دندان شکن بدهید! همین جوری به آن ها ابلاغ کنید که ما در برابر کسی مسول نیستیم! در برابر کسی هم تعهد نداریم!

مشاور چهارم: امام! دولت ها تحت تاثیر افکار ملت خود هستند و به تبعیت از افکار مردم خودشان واکنش نشان می دهند و بنا بر این در برابر هر اتفاقی که مساله ساز باشد به ناچار آوای مخالفت سر می دهند! ما هم در برابر آن ها مسولیت داریم!
امام: دولت های غربی چرا آوای مخالفت سر می دهند؟ آن ها چه کار دارن به کار ما! آن ها چه کار دارن با ولایت ما، آن ها چه کار دارن با فقاقت ما! و لاکن آن ها از ما نفت می خواهند! ما هم به آن ها نفت می دیم! ارزان تر از شاه هم می دیم!
مشاور اول: اماما مساله ی آن ها تنها مساله ی نفت، یا نفت ارزان نیست؟ مسائل مهم تری در میان است که باید پاسخ گوی آن ها باشند!

امام: گیریم که بخواهند به ما اسلحه هم بفروشن، اسلحه هم از آن ها می خریم! از خودشان هم می خریم، از غربی ها می خریم! از دلال هاشان می خریم! آن ها فروشنده هستن، ما هم خریداریم! دیگر چه کار دارن که ما این جا چه کار می کنیم و چه کار نمی کنیم! مگر ما می پرسیم که خودشان آن جا چه کار می کنن!
مشاور دوم: اماما شاید بشود دولت های غربی را با نفت ارزان گول زد، یا بعضی از آن ها را با معامله ی کلان اسلحه خرید!؟ اما با افکار عمومی که بر فراز سر دولت ها عمل می کند نمی شود بازی کرد!
مشاور سوم: و افکار عمومی برانگیخته شده را نمی توان به آسانی مهار ساخت یا به آسانی آرام نمود!

مشاور اول: چون که افکار برانگیخته شده به راحتی فروکش نمی کند!
امام: افکار آن ها شیطانی است، ما در اسلام افکار شیطانی نداریم که دغدغه خاطر داشته باشیم! افکار آن ها در شریعت ما جایی نداره! اصلن معنا نداره، حالا می خواد این افکار عمومی باشد یا خصوصی؟ هر چیزی که در شریعت ما نباشد و لاکن معنا ندارد!

مشاور چهارم: اماما، توده های مردم شیطان نیستند که افکار شان شیطانی باشد، دولت های غربی هم از روی ناچاری به افکار توده ها احترام می گذارند!
مشاور دوم: و چون نسبت به افکار عمومی حساسیت نشان می دهند برای ما اهمیت دارد که بدانیم نسبت به اعمال ما چه واکنشی نشان می دهند!
امام: به ما چه که افکار شیطانی در غرب معنا دارد؟ به ما چه که آن ها به افکار شیطانی اهمیت می دهند! تکلیف ما را آیه ی مبارکه تعیین می کند: «الشداء مع ال کفر و الرحماء بینهم»!

مشاور اول: حضرت امام! حساسیت افکار عمومی در غرب همیشه کفر آمیز نیست! خبر اعدام های پیاپی در چند روز گذشته غربی ها را منقلب ساخته و حساسیت عمومی را علیه ما برانگیخته است! قرار نشده که این همه آدم اعدام کنیم!
مشاور دوم: آن هم به این صورت!

امام: مگر خودشان نمی کشن؟ مگر خودشان همه جا قتل و غارت بر پا نمی کنن؟ مگر طاغوت کم می کشت؟ وقتی پای بچه های ما را ااره می کردن آن ها کجا بودن؟ دولت ها کجا بودن؟ غربی ها کجا بودن؟ افکار عمومی کجا بود؟ حالا چه شده که همه سر در آوردن! ما چند نفر از طاغوتی ها را اعدام کردیم و آن ها این همه سر و صدا به پا کردن!

مشاور چهارم: امام! افکار عمومی ذهنیت مردم است، باور مردم است. افکار عمومی همیشه وجود دارد! در دوره ی طاغوت هم وجود داشت، غربی ها تحت تاثیر افکار عمومی در دوره طاغوت هم کشتار جوانان ما را محکوم می کردند!

امام: غربی ها خودشان همه را بازی می دن! همه را فریب می دن! مردم خودشان را هم فریب می دن! حالا می خوان ما را هم فریب بدن که دست از طاغوتی ها بر داریم! دست از دشمنان اسلام بر داریم! دست از کفار برداریم! اما ما دست بردار نیستیم!

مشاور دوم: امام! افکار عمومی ربطی به دولت ها ندارد، افکار عمومی باور مردم است و رسانه ها سامان می دهند! رسانه ها باور می سازند، چون این رسانه ها هستند که مدام به مردم خبررسانی می کنند و خوراک تبلیغاتی می دهند!

امام: شما هم به رسانه ها خوراک تبلیغاتی بدهید، خوراک اسلامی بدهید، شما هم برای خودتان تبلیغ کنید، و لاکن چنین نباشد که برای اسلام تبلیغ نکنید، چنین نباشد که برای روحانیت تبلیغ کنید! شما هم افکار اسلامی را تبلیغ کنید، ال حمد و له لا که افکار اسلامی داریم و ال حمدوله لا به افکار کفر احتیاج نداریم! تا افکار اسلامی داریم به افکار غربی ها که ریشه در کفر دارند احتیاجی نداریم. شما هم نباید به افکار آن ها توجه کنید!

مشاور سوم: امام! مساله ی افکار عمومی، مساله ی کفر و دین نیست. رسانه های غربی تبلیغ می کنند که دنیا عوض شده، دنیا رو به ترقی است، دوران دین سالاری و ولایت دینی سپری شده، و روحانیت نمی تواند نماینده ی ترقی خواهی ملتی بزرگ مثل ملت ایران باشد. ملتی بزرگ با فرهنگی کهن سال و آن هم در دنیای امروز!

امام: بی خود کرده است دنیا که عوض شده باشد، کجای دنیا رو به ترقی است؟ همه جا فتنه است، همه جا آشوب است، انحطاط است آقا!، فحشاء است آقا!، فساد است آقا!

مشاور اول: امام! فحشا و فساد را که نمی توان یک شبه با کشت و کشتار از بین برد! کشت و کشتار هم باید از روی حساب باشد! همه چیز حساب و کتاب دارد!

مشاور دوم: اصلاح جامعه زمان لازم دارد، نیرو لازم دارد، امکانات لازم دارد! برنامه ریزی لازم دارد و مدیریت! و کار امروز و فردا هم نیست!

امام: روحانیت اسلام می تواند جلو فتنه را بگیرد، جلو فساد را بگیرد. و لاکن فقط روحانیت است که می تواند! چون که روحانیت پشتوانه دینی دارد، روحانیت پشتوانه ی مردمی دارد، روحانیت پشتوانه فقهی دارد و با این پشتوانه ها می تواند دنیا را نجات بدهد و با این همه فساد و فحشائی که در دنیا است مبارزه کند! کجای دنیا رو به ترقی است؟ این ترقی معکوس است، این استیلا کفر است. استیلا کفر که ترقی نیست! ترقی در اسلام است، ترقی در گسترش اسلام است، ترقی در گسترش کفر نیست!

مشاور چهارم: اماما مردم کشور خودمان هم که ال حمد و له لا مسلمان هستند و مومن و متدین، باور دارند که دنیا رو به ترقی است، و افکار عمومی ما باید مدافع این ترقی خواهی باشد!

امام: افکار عمومی که دست مردم نیست، در دست دولت ها است، در دست شیاطین است، روزنامه ها هم اجیر دولت ها هستن، روزنامه نویس ها تابع دولت ها هستن، اسیر شیاطین هستن، تابع شیاطین هستن، هر جور که دولت ها بخوان، هر جور که شیاطین بخوان افکار مردم را می سازن، آن ها افکار شیطانی دارن! افکار شیطانی می سازن. روزنامه نگاران ما هم باید افکار اسلامی بسازن!

مشاور سوم: اماما افکار عمومی جدا از دولت ها و جدا از جریان های سیاسی، جدا از شیاطین و حتا جدا از روزنامه نگاران و خبرنگاران هم، به خودی خود به وجود می آید و جهت پیدا می کند. افکار عمومی بیش تر خود به خودی و خودجوش است و بدون دخالت دولت ها شکل می گیرد.

مشاور چهارم: و در دنیای امروز و در پایان قرن بیستم ترقی خواهی دغدغه خاطر افکار عمومی است!

امام: غربی ها ترقی خواهی ندارن که دغدغه ی خاطر داشته باشن! ترقی خواهی مال ماست، غربی ها غرق هستن در کفر، غرق هستن در انحطاط، غرق شدن در کفر و انحطاط که ترقی خواهی نیست! ترقی خواهی مال اسلام است، و ال حمد و له لا ملت ما خودش به اسلام رو آورده! و به حبل ال متین اسلام چنگ انداخته!

مشاور دوم: اماما چون ترقی و ترقی خواهی از آن اسلام است و اسلام امید آینده ی بشریت و ملت ما خودش به اسلام پناه آورده؛ وظیفه ما سنگین تر است و این مردم خودمان هستند که تکیه بر سنت های متروک و عقب گرد را نمی پذیرند!

امام: تکیه بر سنت رسول الله که عقب گرد نیست! رسول الله برای هدایت بشر آمده است. تا دنیا دنیا است، رسول الله، رسول الله است و پیغمبر دیگری نیامده و نخواهد آمد که سنت متروک داشته باشیم. سنت رسول الله که متروک نیست!

مشاور اول: اماما، مخالفان سنت می گویند عقربه ی تاریخ به عقب بر نمی گردد. امام: غلط کرده است عقربه ی تاریخ که به عقب بر نمی گرده، عقربه ی ساعت که به عقب بر می گرده، غربی ها خودشان هم به عقب بر می گردانن، طاغوت هم به عقب برگرداند تا وقت اذان ظهر و شب ما را خراب کنه!

مشاور دوم: اماما: عقربه ی تاریخ، که عقربه ی ساعت نیست تا بشود به عقب برگرداند یا به جلو! عقربه ی تاریخ قطب نمای زمان است، آئینه ی روزگار است و دورنمای فردای بشریت!

امام: غلط کرده است عقربه ی تاریخ که عقربه ی ساعت نباشد، ما همه را بر می گردانیم، هم عقربه ی ساعت را بر می گردانیم و هم عقربه ی تاریخ را، مگر طاغوت خودش بر نگرداند ما را به دو هزار و پانصد سال پیش و به عصر جاهلیت پیش از اسلام! اسلام قطب نمای زمان است، عقربه تاریخ چه کاره است؟ ما همه را بر می گردانیم به صدر اسلام، به عصر رسول الله، به عصر امیرال مومنین علی علیه سلام!

مشاور سوم: اماما مردمی که انقلاب کرده اند خواسته های امروزی دارند و نمی خواهند به عقب بر گردند.

امام: مگر مردم انقلاب کردند که خواسته های امروزی داشته باشند و حالا بخوان به عقب برگردن، و یا برنگردن! روحانیت انقلاب کرد! طلبه های قم انقلاب کردن! روحانیت انقلاب کرد برای عزت اسلام! طلبه ها انقلاب کردن برای عزت رسول الله! برای عزت ائمه ی اطهار علیهما ال سلام! برای رواج سنت نبی اکرم صلوات الله علیه!
مشاور چهارم: اماما مردم هم، با روحانیت هم راهی کردند، و گرنه روحانیت و طلبه ها بدون پشتیبانی مردم و بدون پشتوانه ی مردمی که نمی توانستند به تنهایی انقلاب کنند و به تنهایی به طاغوت غلبه کنند!

امام: مردم همیشه با روحانیت هم راه بودن، مگر مردم غیر از اسلام و روحانیت امید دیگری دارن؟ مگر مردم غیر از اسلام، و غیر از روحانیت پشت و پناه دیگری دارن؟ مگر مردم غیر از خواست روحانیت خواست دیگری دارن؟

مشاور سوم: بلی خواست دیگری هم دارند، یعنی خواسته های دیگری هم دارند!
امام: هر خواستی غیر از اسلام داشته باشند حرام است! باطل است! کفر است!
مشاور اول: اماما! مردم می خواهند در سایه اسلام در رفاه باشند، در آسایش باشند و از امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، و امنیت جانی برخوردار باشند!
امام: به حمدو الله همه ی مردم در سایه اسلام در رفاه هستن، همه ی مردم در آسایش هستن! بازاری ها در آسایش هستن، عمله ها هم در آسایش هستن! چه نعمتی بالاتر از سایه اسلام که بر سر همه ی ماست! چه رفاهی بالاتر از این نعمت باری تعالی!
مشاور دوم: اماما مساله همین است که مردم در پرتو اسلام و تحت توجهات حضرت عالی خود را محق می دانند که هم در رفاه باشند و هم در آسایش و امنیت زنده گی کنند، یعنی از نعمت های خدادادی برخوردار باشند، از آزادی برخوردار باشند! و از حقوق انسانی برخوردار باشند!

امام: بی خود کردن مردم که در رفاه باشن، چه رفاهی؟ رفاه مادی زیادی اش کفر است. رفاه معنوی اصل است، ایمان به خدا اصل است، عبادت خدا اصل است. و لاکن ما برای رفاه مادی انقلاب نکردیم، ما برای خدا قیام کردیم، برای صاحب زمان قیام کردیم!

مشاور اول: حضرت امام درست است که مردم ما خداپرست اند و به اسلام و روحانیت احترام می گذارند، اما مردم انگیزه های دیگری هم دارند. مردم به انگیزه ی عدالت خواهی قیام کردند، مردم به انگیزه ی سیاسی و علیه ظلم قیام کردند!
مشاور دوم: از همه مهم تر، مردم به انگیزه اقتصادی قیام کردند.
امام: بی خود کردن مردم به انگیزه اقتصادی قیام کنند، می خواستن نکنن، اقتصاد که انگیزه نداره، اقتصاد مال خره!

مشاور چهارم: اماما به «حمدو الله»، دوران طاغوت سپری شده، دوران سرکوب و ظلم و ستم سپری شده، و حالا مردم باید طعم آزادی را به چشند و از حق و حقوق خود به نحو احسن برخوردار باشند!

امام: غلط کردن مردم از آزادی بیش تری برخوردار باشن! آزادی بیش تر مال حیوانه! انسان که حیوان نیس همین جوری آزاد باشه و هر غلطی که دل اش خواست بکنه! انسان باید تابع دین باشد! انسان باید تابع مکتب باشد! انسان نمی تواند آزاد باشد! انسان مقید است، انسان مقید است به آداب دین! انسان مقید است به احکام الهی! انسان مقید

است به احکام شرع! غیرمسلمان ها هم آزاد نیستند! آن ها هم مقید هستند به احکام دین خودشان! و لاکن بی بند و بار هستن و اسم اش را گذاشتن آزادی! بی بند و باری که آزادی نیست!

مشاور دوم: اماما منظور از آزادی، آزادی جنسی نیست! منظور از آزادی، آزادی سیاسی است! آزادی اجتماعی است! آزادی عقیده و مرام است! آزادی مطبوعات است! آزادی احزاب سیاسی است! آزادی انجمن و اجتماعات است!

امام: مردم در عقیده و مرام آزاد هستن، مطبوعات هم آزاد هستن به شرط آن که خلاف اسلام ننویسند، احزاب هم آزاد هستند به شرط آن که توطئه نکنند، برای اجانب کار نکنند، برای اسلام کار کنند و چنان نباشد که چنان باشد و به بهانه ی آزادی عقیده و مرام هی توطئه کنند، هی توطئه کنند. هی مردم را به عمل خلاف تشویق کنند!

مشاور چهارم: اماما تا توطئه از نظر مبارک چه باشد؟ خوب است که بیان بفرمائید تا احزاب، سازمان ها و همه گان نظر مبارک را در باره ی توطئه بدانند!

امام: شیطنت نکنن! کارگراها و کشاورزها را تحریک نکنن! جوانان را اغفال نکنن! از دیانت بد نویسند! از روحانیت بدگوئی نکنن! در امور دولت دخالت نکنن! مردم را به عمل خلاف شرع تحریک نکنن! تحریص نکنن!

مشاور چهارم: اماما انتقاد از دولت که توطئه نیست! در همه جای دنیا مخالفان دولت و حتا موافقان دولت، از برنامه و کارکرد دولت انتقاد می کنند.

امام: این دولت، از آن دولت ها نیست که بشود انتقاد کرد! این دولت، دولت امام زمان است. این دولت برگزیده امام زمان است. پشتیبانی از این دولت واجب است، پشتیبانی از این دولت از واجبات است! از واجبات عینی و بد گفتن از این دولت و مقامات حکومتی و روحانیت حرام است، خلاف شرع است و به منزله ی کفر و تکفیر!

مشاور اول: حضرت امام در هر صورت مردم حق و حقوقی دارند و باید آزاد باشند تا از حق و حقوق مشروع خودشان دفاع کنند و از نابسامانی ها و حق کشی ها انتقاد کنند.

امام: از ظلم و جور طاغوت و حق کشی های دوران طاغوت انتقاد کنند بلاشکال است! و لاکن از این دولت نباید انتقاد کنن! از روحانیت نباید انتقاد کنند!

مشاور دوم: اماما حق و حقوق مردم که تقسیم بردار نیست تا از یکی انتقاد کنند و در برابر دیگری سکوت اختیار کنند! از قدیم گفته اند در دروازه را می شود بست اما دهان مردم را نمی شود بست. مردم حق و حقوقی دارند که باید از آن بهره مند باشند!

امام: غلط کردن مردم که در برابر اسلام و دولت اسلامی حق و حقوقی داشته باشند، حق از آن باری تعالی (تعالی) است، حقوق هم از مشتقات حق است! و آن هم از آن باری تعالی است! فقط دولت اسلامی کفایت دارد که از حقوق باری تعالی دفاع کند.

دیگران همه در برابر دولت اسلامی و در برابر دولت امام زمان بی کفایت هستند!

مشاور چهارم: اماما بی کفایتی مردم به جای خود! حقوق الهی و دفاع از حقوق الهی به جای خود! اما حقوق مردم بی کفایت چه می شود؟ آن هم مردمی که قیام کرده اند و حکومت اسلامی را سر کار آورده اند!

امام: حقوق مردم انشاء الله که محفوظ است و لاکن مردم به بهانه ی حقوق حق تعرض به دولت ندارند! حق تعرض به روحانیت ندارند!

مشاور اول: در هر صورت در حکومت اسلامی تحت رهبری عالی‌ه ی جناب عالی تکلیف مردم باید روشن شود و مردم باید بدانند که از چه حق و حقوقی برخوردار هستند!

امام: حق و حقوق مردم را شرع مبین تعیین کرده و این حقوق برای ابناء بشر تا روز قیامت کفایت می‌کند!

مشاور دوم: اماما مردمی که علیه ظلم و بی‌حقوقی قیام کرده اند در درجه ی اول خواهان عدالت اسلامی هستند! مردم تشنه ی عدالت و قسط اسلامی هستند!

امام: ما هم خواهان عدالت اسلامی هستیم، ما هم خواهان عدل علی هستیم، ما هم برای مستضعفین قیام کردیم! و لکن مردم باید طاقت داشته باشند تا عدالت برقرار بشد! تا قسط اسلامی برقرار بشد! قسط اسلامی کار امروز و فردا نیست! عدالت اسلامی کار امروز فردا نیست که به بهانه آن دولت را تضعیف کنند، روحانیت را تضعیف کنند، اسلام را تضعیف کنند!

مشاور سوم: اماما به نظر مبارک ریشه ی بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی در کجاست؟ و چه گونه می‌توانیم به قسط اسلامی برسیم؟

امام: ریشه ی بی‌عدالتی از فساد است! از فحشاء است! از طاغوت است! از ظلم است! از کفر است! طاغوتی‌ها را از میان بردارید! مفسدها را دار بزنید! کافرها را از بین ببرید تا در زمین خدا عدالت برقرار بشد! فسط اسلامی برقرار بشد! و مردم مستضعف به حق و حقوق اسلامی شان برسند!

مشاور دوم: اماما مساله ی کفر و دین، مساله ی کش داری است. حضرت عالی در پاریس وعده فرمودید در حکومت اسلامی همه آزاد هستند، کمونیست‌ها هم آزاد هستند، در کشور اسلامی ایران غیر از کمونیست‌ها چه طایفه ی دیگری مشمول کفر هستند که باید نیست و نابود شوند!؟

امام: در حکومت اسلامی همه آزادند! کمونیست‌ها هم آزادند! و لکن تظاهر به کفر نکنن! تظاهر به بی‌دینی نکنن! جوانان مسلمان را اغفال نکنن، علیه مذهب فتنه نکنن! علیه اسلام آشوب نکنن!

مشاور اول: اماما اگر چه با دار زدن، و با کشتن و از میان برداشتن اشخاص و چهره‌ها عدالت برقرار نمی‌شود، اما برای استحکام دولت نوین‌یاد اسلامی محاکمه ی چند تن از طاغوتی‌ها و دار زدن آن‌ها شاید کافی باشد و به تر است که زیاده روی نشود!

امام: همه طاغوتی‌ها را به دادگاه بسپارید تا دادگاه با آن‌ها تعیین تکلیف کنه!

مشاور دوم: اماما لازمه ی محاکمه ی همه ی طاغوتی‌ها برقراری دادگاه‌های عادلانه است! برقراری دادگاه‌های عرفی و مردمی! به جرم طاغوتی بودن مردم را به دار بستن و خودسرانه اعدام کردن و همه را نیست و نابود کردن به جایی نمی‌رسد!

امام: چه طور به جایی نمی‌رسد؟ دادگاه‌ها باید انقلابی باشد! دادگاه‌ها باید انقلابی عمل کنند! دادگاه باید اسلامی باشد! دادگاه باید شرعی باشد، دادگاه باید حاکم شرع داشته باشد! حُکام شرع باید انقلابی باشند! اسلام همیشه انقلابی بوده! احکام اسلام همیشه انقلابی بوده! دادگاه باید احکام اسلام را پیاده کند! دادگاه باید احکام شرع را اجرا کند!

مشاور سوم: اماما کمونیست ها و لیبرال ها دست در دست هم تبلیغ می کنند که احکام اسلام مبهم است و تفسیربردار! احکام مبهم و تفسیربردار قابلیت اجرایی ندارد! و در نتیجه احکام شرعی نمی تواند مبنائی باشد برای دادگاه های انقلاب و عدالت اجتماعی! امام: مخالفان اسلام یا غرب زده هستند و منحرف، یا شرق زده هستند و کافر، آن ها که روحانی نیستند تا احکام اسلام را به فهمند! آن ها که قوه ی فهم احکام الهی را ندارند! بی خود کردن که تبلیغ می کنن! جلو تبلیغ شان را بگیرید!

مشاور چهارم: اماما! قضات دادگستری هم که قوه ی فهم احکام اسلامی را دارند با حکام شرع مخالف اند! با احکام شرعی مخالف اند و احکام شرعی را خشن و قوانین اسلامی را ناقص و نارسا می دانند

امام: بی خود کردن که احکام اسلامی را ناقص و نارسا می دانن! کدام قضات؟ کدام قاضی؟ آن ها قاضی نیستن! قاضی باید مجتهد باشد! آن ها که مجتهد نیستن. آن ها طاغوتی هستن! طاغوتی ها را از دادگستری کنار بزنید، و دادگاه ها را به روحانیت بسپارید تا حکم خدا را جاری سازند و فساد را از روی زمین ریشه کن کنن!

مشاور اول: اماما احکام شرعی هنوز در بین مردم آن چنان که باید و شاید جاری و ساری نیست که دادگاه های شرعی بر پا کنیم؟

امام: چه طور جاری نیست؟ چرا باید جاری نباشد؟ احکام شرع سنت هزار و چهارصد ساله داره! دادگاه های طاغوتی پنجاه ساله دائر شده! دعاوی مردم را تا دوران مشروطه روحانیون حل و فصل می کردن، شرعی هم حل و فصل می کردن! رضاخان با قلدری روحانیت را کنار زد، رضاخان با قلدری لباس روحانیت را از تن قضات درآورد! حالا هم اگر همه همت کنن به زودی همه چیز در میان مردم جاری می شد. شماها با قدرت عمل کنید تا مردم اطاعت کنند. مگر این پدر و پسر همه چیز را با قلدری پیش نمی بردند!

مشاور چهارم: اماما اگر احکام شرع را هم به اجبار جاری سازیم، باز هم چون بسیاری از احکام اسلامی مغایر است با شئون قضائی امروزی و اعلامیه جهانی حقوق بشر باز هم در آینده گرفتاری خواهیم داشت.

امام: احکام اسلام، احکام الهی است، احکامی است که برای سعادت بشر آمده، حقوق بشر که نباید مغایر احکام الهی باشد! مغایر احکام شرعی باشد! احکام اسلام از جانب باری تعالی آمده، حقوق بشر که از جانب باری تعالی نیامده! لاکن دولت ها یک چیزی را سرهم بندی کردن، اسم اش هم را گذاشتن حقوق بشر! کدام بشر؟ بشر طاغوتی! بشر فاسد؟ مسلمانان حقوق بشر الهی دارن، احتیاجی هم به حقوق بشر طاغوتی و استکباری ندارن!

مشاور دوم: اماما منتقدین می گویند احکام قصاص و سنگسار مجازات قرون وسطائی است. احکام دادگاه باید انسانی باشد، احکام دادگاه باید مستدل باشد، مستند باشد و در اجرا متین! حتا اعدام جنایت کاران حرفه ای هم باید بدون درد و رنج و بدون شکنجه و عذاب انجام گیرد! قصاص اسلامی و سنگسار نوعی شکنجه است و مغایر شان آدمی و جامعه ی امروزی! در این احکام باید تجدید نظر کرد!

امام: بی خود گفتن که قصاص و سنگسار دون شان آدمی است، آن ها خودشان دون شان احکام الهی هستند! دون شان قصاص و سنگسار هستند. قصاص و سنگسار از

احکام اصیل اسلامی! از احکام اصیل الاهی! ، با قصاص و سنگسار همه را باید آدم کرد! جامعه را باید آدم کرد، جامعه را باید اصلاح کرد! مجازات اگر خشن نباشد کسی عبرت نمی‌گیرد!

مشاور اول: حضرت امام! امروزه از همه مهم‌تر و اصیل‌تر این است که قانون برای همه یک‌سان باشد. قانون باید شمول‌عام داشته باشد! مخالفان می‌گویند احکام حدود و قصاص شمول‌عام ندارند و در اجرای حدود و قصاص اسلامی مساوات برقرار نیست!

امام: چه طور مساوات برقرار نیست؟ بی‌خود کرده هر کس که بگوید اسلام دین برابری نیست! در اسلام مساوات نیست! در قصاص مساوات نیست! مشاور چهارم: اما مخالفان بر این نکته انگشت می‌گذارند که بین زن و مرد مساوات برقرار نیست! و این که نمی‌توان مردی را بدون پرداخت نصف دیه به اتهام قتل زنی قصاص نمود

امام: حد و حدود حقوق زن و مرد را شرع‌انور تعیین کرده، توجه به حقوق شرعی زن و مرد به معنای عدم مساوات نیست! عدم مساوات وقتی است که بین دو مرد و یا دو زن تبعیض باشد! رعایت حدود و ثغور حقوق زن و مرد از احکام الهی است.

مشاور دوم: نکته مهم دیگر عدم مساوات بین مسلمان با غیرمسلمان است و این که نمی‌توان مرد مسلمانی را به جرم قتل مرد غیر مسلمانی قصاص کرد و یا غیرمسلمانی را که مرتکب قتل مسلمانی شده عفو نمود!

امام: آن هم امر خداوند است، نهی خداوند است که مرد یا زن مسلمان را نباید به جرم کشتن غیرمسلمان قصاص نمود! کشتن کفار امر جهاد است، امر جهاد مجازات ندارد!

مشاور سوم: اما کشتن طاغوتی و مخالفان برای تثبیت نظام به جای خود، اما امروزه هدف از مجازات کینه و انتقام‌جویی نیست! اصلاح مجرم است، اصلاح جامعه است

امام: اگر قصاص نباشد عفو هم معنا ندارد! چه طور می‌شود که نه کینه معنا داشته باشد؟ نه انتقام معنا داشته باشد! و نه قصاصی در کار باشد!؟

مشاور چهارم: اما در حقوق مدرن امری مجازات تنها انتقام نیست، مجازات تنها برای عبرت دیگران نیست، مجازات هم برای تسکین جامعه است و هم برای بازسازی مجرم!

امام: حق‌الناس قابل‌بخشش نیست و لکن اولیاء دم مختارند به قصاص یا دیه و یا بخشش!

مشاور دوم: اما مجرم با جرم و یا جنایت خود، تنها فرد و یا بسته‌گان فرد قربانی را جریحه‌دار نمی‌سازد که با عمل قصاص تقاص متقابل بشود؟

مشاور اول: مجرم با عمل خودش جامعه را هم جریحه‌دار می‌سازد و باید در برابر جامعه هم پاسخ‌گو باشد!

امام: در احکام شریفه‌ی اسلام، اولیاء دم اصل هستند! نه دولت و نه مردم! قصاص در اختیار اولیاء دم است و اگر هم اولیاء دم وجود نداشته باشد؛ قصاص در اختیار حاکم شرع است و امر، امر حاکم شرع!

مشاور سوم: اماما قصاص اسلامی شاید پاسخ گوی جریحه دار شدن افکار عمومی باشد اما پاسخ گوی نابسامانی های اجتماعی نیست! و جامعه را آشفته تر می سازد!

امام: چه طور پاسخ گو نیست اگر مردم از قصاص عبرت نگیرن پس از چه چیزی عبرت می گیرن؟ چرا قصاص جامعه را آشفته تر می سازد؟ جامعه اسلامی آشفته نیست که آشفته تر باشد!

مشاور چهارم: اجرای قصاص و حدود اسلامی خود به خود آشفته گی به بار می آورد! مگر سربار ساختن مشتی بی دست و پا بر گردن خانواده ها و بسته گان آن ها آشفته گی نیست؟! از دیاد آدم های بی دست و پا نابسامانی نیست!؟

مشاور اول: شاید به همین خاطر است که هیچ کدام از دادگاه ها و هیچ کدام از قضات دادگستری حاضر به اجرای احکام قصاص و صدور حکم انتقام شخصی یا سنگ سار یا حکم شلاق و بریدن دست و پا و درآوردن چشم یا اسید پاشیدن متقابل نیستند!

امام: بی خود کردن دادگاه ها که حاضر به اجرای احکام قصاص و انتقام شخصی نباشن، هر قاضی که حاضر به اجرای احکام اسلام نیست باید اخراج بشد! آن ها طاغوتی هستن، آن ها غرب زده هستن، آن ها شرق زده هستن! همه ی قضات طاغوتی را اخراج کنید، همه ی شرق زده ها را کنار بزنید! هر دادگاهی هم که در برابر اجرای احکام اسلام مقاومت می کنه باید تعطیل بشد!

مشاور دوم: اماما مگر می شود که همه ی دادگاه ها را یک شبه بست، و قضات دادگستری را که سابقه ی چندین و چند ساله کار قضاوت دارند به یک باره خانه نشین ساخت آن وقت دادگستری به یک باره فلج می شود!

امام: و لاکن همه را یک باره اخراج نکنید، همه ی دادگاه ها را هم یک باره تعطیل نکنید، کم کم اخراج کنید، کم کم به بندید. دادگاه های طاغوتی را یکی یکی به بندید، قضات طاغوتی را یکی یکی اخراج کنید و به جای آن ها قاضی شرع بگذارید (منظور بگمارید است) تا دادگاه ها اصلاح بشد! تا دادگاه های شرعی سقام پیدا کنه به عون الله تعالی!

مشاور اول: حضرت امام دادگاه های شرعی را چه گونه برپا کنیم؟ با کدام قاضی؟ قاضی شرع نداریم! قاضی عالم نداریم، قاضی عادل نداریم! امام: چرا نداریم، ال حمدو الله که علمای اسلام زیاد هستن، ال حمدو الله که عالم مجتهد و عادل زیاد هستند!

مشاور سوم: اماما عالم اسلامی کم نداریم، قاضی مجتهد کم داریم و آن قدر مجتهد نداریم که جواب گوی نیاز دادگاه های کشور باشند همین که دادگاه های انقلاب را به گردانند جای شکرش باقی است!

امام: مجتهد کم داریم، کم داشته باشیم، طلبه که زیاد داریم، طلبه ها هم درس مجتهدی می خوانن! طلبه ها هم مجتهد می شنند!

مشاور چهارم: اماما کار قضاوت که با طلبه ها پیش نمی رود، طلبه ها که هنوز مجتهد نیستند.

امام: حجج اسلام زیاد هستند. خودتان هم کمک کنید، تا کارها پیش برد! تحصیل کرده های مسلمان هم به طلبه ها و حجج اسلام کمک کنن تا کارها به تر پیش برد! مشاور اول: به کدام طلبه کمک کنیم! به کدام یک از حجج اسلام کمک کنیم؟ مگر حجج اسلام و طلبه ها که تابع دولت هستند که به کسی اعتنا کنند و یا بشود به آن ها کمک کرد!؟

مشاور سوم: هر کدام هم با خودشان یک فوج مسلح دارند که می گیرند و می بندند و می کشند!

مشاور دوم: ثقت ال اسلام غفاری خدا را هم بنده نیست تا چه رسد به حجج اسلام که امثال بنده بخواهد به ایشان کمک کند و یا در جائی راه نمائی کند!

مشاور اول: حجت ال اسلام خلخالی هم همین طور هستند، نه به دولت اعتنائی دارند و نه به امت!

مشاور دوم: و اگر حمل بر جسارت نباشد حرف امام را هم زمین می زنند! مشاور اول: حجت ال اسلام موسوی تبریزی هم همین است به هر جا هم که تشریف می برند حکم اعدام صادر می کنند و خود به اجرا در می آورند.

مشاور سوم: حجج اسلام و رای دولت در همه جا بساط بر پا نموده اند و یک جا و دو جا هم نیست!

مشاور چهارم: اماما با عنایت به این که روحانیت و طلبه ها به کسی اعتنائی ندارند و همه ی کارها را خودسرانه پیش می برند چه کاری از ما ساخته است؟ امام: شما کاری به کار آن ها نداشته باشید! و لاکن کمک کنید به قصد قربتن له لا! واجب است که همه کمک کنن تا کار همه ی دادگاه ها درست بشه! و لاکن هر چه زودتر درست بشه!

مشاور اول: آیا به تر نیست که کنترل دادگاه های انقلاب هم در اختیار دولت باشد و روحانیت بدون دخالت دولت مصدر امور دادگاه های انقلاب نباشند!

امام: دولت حق مداخله در امور روحانیت را ندارد! و لاکن روحانیت هم نباید کاری کند که دولت تضعیف شود

مشاور چهارم: در یک مورد که دولت به دستور نخست وزیر دخالت نمود آقای خلخالی سخت عصبانی شدند، از نوع همان عصبانیتی که در پاریس هم از ایشان سر می زد!

امام: حق با آقای خلخالی است، منصب قضاوت در اسلام از آن روحانیت است، نه از آن دولت! این منصب را طاغوت از روحانیت غصب کرد و به غرب زده ها سپرد و حالا باید این منصب به صاحبان اصلی اش باز گردد! به روحانیت خدمت گزار باز گردد! و لاکن تحصیل کرده های مسلمان هم کمک کنن!

مشاور دوم: اماما تحصیل کرده های مسلمان هم مثل طلبه ها هستند، آن ها هم نه از حقوق عرفی سرشته دارند و نه از حقوق شرعی! ، آیا به تر نیست که این منصب هم چنان به قضات مسلمان و کارکنان ی دادگستری واگذار شود و دادگستری خود اقدام به گزینش افراد مومن و مورد نیاز خود نماید؟

امام: طاغوت که مسلمان تربیت نکرده، مسلمان ها را هم فاسد کرده، قاضی مسلمان کجا است؟ دادگستری طاغوت که قاضی مسلمان ندارد! دانش گاه طاغوت که

مسلمان پرور نیست! قضات طاغوتی که مسلمان نیستند! کارها را به جوانان مسلمان واگذار کنید تا آن ها کمک مجتهدین باشند، کمک طلبه ها باشند، کمک حجج اسلام باشند و لاکن در کار آن ها مداخله نکنن. روحانیت برای برقراری دادگاه های شرع قیام کردن!، طلبه ها برای اجرای احکام شرع قیام کردن!

مشاور چهارم: اماما نظر مبارک بر کدام دادگاه است که جوانان مسلمان کمک کنند؟ دادگاه های انقلاب که در اختیار روحانیت است، دادگاه های عرفی موجود هم نیازی به کمک جوانان ندارند، آن ها قاضی کم دارند که باید استخدام کنند؟ امام: همین دادگاه هائی که به عنایت باری تعالی دایر گردیده!

مشاور دوم: اماما دادگاه های مورد نظر حضرت عالی هنوز چارچوب قانونی ندارند که جائی برای هم کاری و هم راهی دیگران باز باشد!

امام: پایه و اساس دادگاه در اسلام احکام شرع است! شریعت الهی است! حالا می خواد این دادگاه اسم اش را بگذارید دادگاه انقلاب! و لاکن عمل اش باید شرعی باشد. دادگاه شرعی تشریفات طاغوتی ندارد، حاکم شرع خودش حکم صادر می کند، خودش هم اجرا می کند و لاکن شما هم کمک کنید!

مشاور سوم: اگر اجرائیات دادگاه را هم حاکم شرع خودش پیش ببرد؟ دیگر چه نیازی به ما دارد؟ چه نیازی به کمک دیگران دارد!؟

امام: کمک به اسلام امر خیر است، در هر کاری خیر است، برای هر کاری خیر است. پشتیبانی از روحانیت، پشتیبانی از اسلام است. از واجبات دین است! مشاور اول: حضرت امام نوع کمک و نوع پشتیبانی از عمل روحانیت باید مشخص باشد تا همه گان تکلیف خود را بدانند!

مشاور دوم: اماما عرض کردم که حکام شرع به هیچ کمکی و از جانب هیچ کس تن نمی دهند

امام: و لاکن باید همه کمک کنن تا دادگاه ها راه بیفتد و لاکن حاکم شرع خودش حکم می دهد! و خودش هم اجرا می کند! امیرال مومنین، خودش حکم قصاص می داد، خودش هم بلند می شد و با دست مبارک گردن می زد. خودش حکم رجم می داد و خودش هم بلند می شد تا با دست مبارک رجم کند! سنگ سار کند!

حاکم شرع، مثل قاضی طاغوتی نیست که یک پرونده را چند سال در دادگستری بخواباند! یک ساعته قال قضیه را می کند!؟ تکلیف گناه کار و بی گناه را هم روشن می کند!

مشاور سوم: اماما اگر قرار باشد که حاکم شرع یک ساعته قال قضیه را بکند دیگر به چه کمکی نیازمند ایست تا کسی او را یاری دهد.

امام: و لاکن شما می توانید کمک کنید! شما پشتیبان عمل روحانیت باشید! شما پشتیبان حجج اسلام باشید! شما پشتیبان دادگاه ها باشید! شما پشتیبان احکام دادگاه ها باشید! به بدخواهان جواب دندان شکن بدید!

مشاور اول: اماما اگر قرار باشد که قاضی شرع یک ساعته تکلیف یک پرونده را روشن کند و کلک کار را بکند؟ و با این شتاب مرتکب اشتباهی شود پشتیبانی ما چه نقشی می تواند بازی کند؟

مشاور سوم: یعنی وقتی که حاکم شرع خودش ببرد و خودش هم بدوزد دیگر ما چه کاره ایم!

امام: پشتیبانی شما باید جواب دندان شکن باشد به بدخواهان اسلام، جواب دندان شکن باشد به بدخواهان روحانیت اسلام و شما در هر شرایطی پشتیبان اسلام باشید

پشتیبان روحانیت اسلام باشید!

مشاور دوم: آیا با اشتباه حاکم شرع، آب روی اسلام و آب روی انقلاب در معرض خطر نیست؟ مردم از اسلام و دادگاه عدل اسلامی انتظارات دیگری دارند!

امام: چه انتظاراتی از این بالاتر که اساس حکومت ما شرع مقدس است! اساس دادگاه های ما هم شرع مقدس است و لکن با محاکمه طاغوتی ها شروع کنید، کله گنده ها را قصاص کنید تا امر شرع مقدس و قصاص به عون الله تعالی در بین مردم جاری بشد و انشاءالله تعالی نوبت به کفار و منافقین برسد!

مشاوران: (از موضع تسلیم و نومید از ادامه ی گفت و گو با امام، هر چهار نفر با هم): اماما پشتیبانی ما به جای خود پس تکلیف دولت چه می شود؟

امام: دولت هم تکلیف خودش را دارد و کار خودش را انجام می دهد و حق دخالت در کار دادگاه ها ندارد!

مشاور دوم: اماما این که می شود دو دولت! دولت روحانیت در برابر دولت منتخب امام!

امام: موضوع دو دولت در میان نیست، روحانیت هیچ دخالتی در کار دولت ندارد! دولت هم حق هیچ دخالتی در امور روحانیت ندارد. قضاوت امور روحانیت است، روحانیت دنبال طلبه گی خودش است، من طلبه هم ره سپار قم هستم!

(مشاوران خوش حال از وعده ی امام برای رفتن به قم و خلاص شدن از شر او با سردادن بانک تکبیر به پا می خیزند!)

پایان پرده اول

بیستم فوریه 2012
مجید دارابیگی